

زندگی همین لحظه‌هاست - صفحه ۶۵

#تاریخ ادبیات:

عباس اقبال آشتیانی: صفحه‌ی ۱۷۳ / نهج البلاغه: صفحه‌ی ۱۷۹ کتاب درسی

#معنای لغات:

مجموعه: گروه، دسته / به شتاب: با سرعت / تردید: شک / گران‌بها تر: با ارزش تر / صرف: به کار بردن، مصرف کردن / دقایق: جمع دقیقه / تلف شده: هدر رفته، از بین رفته / بیهوده: بی‌فایده / گویی: انگار / دل آزرده: ناراحت، غمگین / نگران: مضطرب، دلواپس / تعیین: معلوم و مشخص کردن / زیستن: زندگی / عقربک: عقربه‌ی کوچک / در اثنای: در میان، در بین / گورستان: قبرستان / مزار: قبر / حیرت: سرگستگی، شگفتی / حیات: زندگی / صاحبان قبور: مردگان / قبور: جمع قبر / حک: تراشیده، نوشته / تجاوز نمی‌کرد: بیشتر نمی‌شد، فراتر نمی‌رفت / پیش خواند: صدا زد، نزد خود طلبید / صفا: حال و هوای خوش / گوارا: دلچسب، (برای آب) زلال / چنین: اینگونه / نظر: نگاه، دیدگاه / می‌نگریم: نگاه می‌کنیم / خفتن: خوابیدن / قرار: قرارداد / حداکثر: بیشترین میزان / اعظم: بزرگتر / غفلت: بی‌خبری، نادانی، ناآگاهی / سپری می‌شود: می‌گذرد / فرصت حال را دریابد: قدر حالا را بداند / افکندن: انداختن / افسوس: حسرت / شایسته: صحیح / دی: دیروز / نامده: نیامده، آینده / بنیاد مکن: توجه و تکیه نکن / حالی: در این زمان، اکنون / الکی: غیر جدی، دروغی / دوستدار: علاقه‌مند / منها می‌کنند: کم می‌کنند، برمی‌دارند / قدر: ارزش / مقصود: هدف / دائماً: همیشه، مدام / اضطراب: نگرانی، دلهره، بی‌تابی / راحت و آرام: آسایش / مصاحبت: هم‌نشینی، گفت و گو / در ردیف: برابر با / اوقات: جمع وقت / اعجاب = شگفتی: تعجب / مخصوصاً: به ویژه / تأمل: اندیشیدن، فکر کردن / عبرت: پند، اندرز / غصه = اندوه

#معنای شعر:

بیت اول: از روزی که سپری شد دیگر صحبت نکن و آن را فراموش کن. به خاطر آینده‌ای که نیامده بی‌جهت نگران نباش و ناله و زاری مکن.
بیت دوم: بر آینده و روزهای گذشته تکیه نکن و اعتنایی نداشته باش. قدر حالا و اکنون را بدان و عمر خود را بیهوده تلف نکن.

#آرایه‌ها:

وقت طلاست: تشبیه اسنادی / دنیا را زیر و رو می‌کنند: کنایه از همه جا جست و جو کردن / می‌گفت عمر: تشخیص / به حیرت فرو رفت: کنایه از فکر عمیق همراه با تعجب بسیار / چرا زندگی مردمش چنین کوتاه است ← زندگی: مجاز از عمر / امروز را به فردا افکندن ← امروز: کار امروز / (رباعی خیام) دی و فردا: تضاد / نامده و گذشته: تضاد / بر باد مکن: کنایه از بیهوده تلف نکن / گره از کار دیگران گشودن: کنایه از برطرف کردن مشکل / غم و شادی: تضاد / گردش، ورزش، بازی، تفریح: تناسب / سبزه، گل، درخت، آسمان، ستاره: تناسب / ساحل، دریا، رودخانه: تناسب / تأمل، فکر، عبرت: تناسب / فرصت‌ها مثل گذشتن ابرها: تشبیه

قالب شعر: رباعی (وزن هر مصراع: لا حول و لا قوة الا بالله)

#خود ارزیابی:

- ۱- زیرا با صرف وقت می‌توان طلا به دست آورد، ولی دقایق تلف شده را با طلا هم نمی‌توان خرید.
- ۲- زندگی حقیقی آن است که در جست و جوی دانش و یا به کار مفید و سازنده بگذرد.
- ۳- بهره‌گیری از فرصت‌ها برای داشتن زندگی شاداب، رو به رشد، فعال و موفق

#نکته دستوری:

در پاسخ پرسش ← نه: شبه جمله